

چگونه رژیم اشغالگر توسعه طلب به یک رژیم منفعل و ترسو تبدیل شد؟

(۲۴/۰۳/۱۴۰۲) دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین آقای «زیاد النخاله» و هیئت همراه، عصر چهارشنبه ❖ با حضرت آیت الله خامنه‌ای دیدار و گفت‌وگو کردند. رهبر انقلاب در این دیدار با تبریک پیروزی جهاد اسلامی در نبرد ۵ روزه اخیر با رژیم صهیونیستی وضعیت رژیم اشغالگر قدس را در مقایسه با ۷۰ سال قبل بسیار متفاوت و تأکید کردند که سران صهیونیستی حق دارند که نگران ندیدن هشتاد سالگی این رژیم باشند به همین مناسبت در گفت‌وگویی با **دکتر مجید صفاتاج، کارشناس مسائل غرب آسیا** KHAMENEI.IR رسانه به بررسی وضعیت انفعالی رژیم صهیونیستی در برابر مقاومت فلسطین و نشانه‌های ضعف و زوال این رژیم داشته است.

از آغاز تشکیل رژیم صهیونیستی تا نیمه دهه ۸۰ میلادی، قدرت نظامی اسرائیل به‌عنوان یک ❖ نیروی بازدارنده شناخته می‌شد و صهیونیست‌ها در گسترش اشغالگری موفقیت‌های قابل توجهی داشتند. اما از دهه ۹۰ میلادی به بعد، مقاومت ملت فلسطین و جنبش مقاومت در داخل و خارج فلسطین به تدریج تقویت شد و پیروزی‌های متعددی را به دست آورد. در سال‌های اخیر، رژیم صهیونیستی با ناپایداری دولت و بحران‌های سیاسی و اجتماعی داخلی مواجه شده است که به نظر آیا می‌توان با نگاهی .می‌رسد بر قدرت و بازدارندگی سیاسی و نظامی رژیم تأثیر منفی گذاشته باشد به تاریخچه رژیم صهیونیستی گفت این رژیم رو به افول و سقوط است؟

برای بررسی تاریخچه رژیم صهیونیستی باید به دو مرحله اصلی اشاره کرد. ابتدا فرآیند تشکیل و زمینه‌سازی ❖ این رژیم در سرزمینی که ملت داشت، و صهیونیست‌ها در آن سرزمین جمع شدند تا به دولت‌سازی و ملت‌سازی بپردازند. در حوزه ملت‌سازی، موفقیت‌چندانی نداشتند. اما در خصوص تشکیل دولت رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ میلادی، با کمک قدرت‌های آن زمان از جمله انگلیس، آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و همچنین با تأیید سازمان ملل متحد، این رژیم شکل گرفت

از سال ۱۹۴۸ علیرغم صدور رژیم صهیونیستی بعد از تأسیس وارد مرحله‌ی دوم که تثبیت و توسعه بود شد قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (معروف به طرح تقسیم فلسطین)، باز هم بخش‌های بیشتری از سرزمین فلسطین اشغال شد. در سال ۱۹۶۷ میلادی در جنگ شش‌روزه‌ی اعراب و اسرائیل، صهیونیست‌ها سرزمین‌های خودشان را چهار برابر کردند؛ یعنی علاوه بر ۲۲ درصد باقیمانده‌ی سرزمین فلسطین

بخش‌های وسیعی از صحرای سینای مصر و منطقه‌ی جولان سوریه را اشغال کردند.

در سال ۱۹۸۲ میلادی آریل شارون طرح تصرف چاه‌های نفتی منطقه‌ی خلیج فارس را هم ارائه کرده بود و مطمئن بود که در صورت لشکرکشی ارتش رژیم صهیونیستی به منطقه‌ی خلیج فارس می‌تواند چاه‌های نفتی منطقه‌ی خلیج فارس را اشغال کند؛ بنابراین سیاست توسعه‌طلبانه‌ی رژیم صهیونیستی تا این سال کاملاً برای تل‌آویو روبه‌جلو بود و دست برتر را داشت.

در همان سال ۱۹۸۲ میلادی رژیم صهیونیستی به بهانه‌ی مبارزه با عملیات گروه‌های مقاومت فلسطینی که در لبنان مستقر بودند به لبنان حمله کر و بیش از نیمی از خاک لبنان را اشغال کرد. اینجا فکر می‌کرد که اشغال سرزمین لبنان هم مانند اشغال دیگر سرزمین‌های عربی خواهد بود؛ یعنی می‌تواند این رژیم مرزهای خودش را گسترش بدهد و درواقع ضمیمه‌ی مناطق و اراضی اشغالی کند که در این کار موفق نبود.

صهیونیست‌ها در هنگام اشغال در حومه‌ی جنوبی بیروت به مشکل خوردند. برای اولین بار ارتش رژیم صهیونیستی که در خلال چند روز وارد پایتخت لبنان شد و اولین پایتخت کشور عربی را اشغال کرد، دیدیم که از این زمان به بعد گروهی از جوانان در مثلث خلد در حومه‌ی جنوبی بیروت دست به مقاومت زدند.

سالی که رژیم صهیونیستی حمله کرد به لبنان یعنی سال ۱۹۸۲ و مقاومت علیه اشغالگری رژیم صهیونیستی در لبنان شکل گرفت را ما باید نقطه‌ی پایان توسعه اشغالگری رژیم صهیونیستی بدانیم. از سال ۱۹۸۲ که به تدریج گروه‌های مقاومت شکل گرفت. در لبنان صدای ناقوس خطر برای فروپاشی رژیم صهیونیستی درآمد. و این رژیم مجبور شد که مرحله‌به‌مرحله و منطقه به منطقه از لبنان عقب‌نشینی کند.

در آخر کار به جایی رسید که در سال ۲۰۰۰ میلادی رژیم صهیونیستی مجبور به عقب‌نشینی از لبنان شد. مقاومت اسلامی لبنان از سال ۱۹۸۴ عملاً اعلام موجودیت کرد هر چند از قبل هم شکل گرفته بود. حزب‌الله اعلام موجودیت کرد، عملیات‌های مقاومت سازماندهی شد و در دهه‌ی ۹۰ میلادی بود که ضربات پی‌درپی و شکننده‌ای به رژیم صهیونیستی وارد شد. این رژیم مجبور به عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی لبنان شد؛ بنابراین این رژیم در سال ۲۰۰۰ میلادی به طور کامل از سرزمین‌های اشغالی لبنان خارج شد.

عملکرد حزب‌الله لبنان و مقاومت اسلامی لبنان موجب زنده شدن نسل فراموش‌شده‌ی فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین شد.

رژیم صهیونیستی در لبنان شکست خورد و در داخل فلسطین هم به تدریج انتفاضه شکل گرفت. انتفاضه‌ی اول میلادی و بحران‌های متعددی برای رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۷ و انتفاضه‌ی دوم یا الاقصی در سال ۲۰۰۰ با توجه به بافت جمعیتی رژیم صهیونیستی برای رژیم ایجاد شد

این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۰۰۵ رژیم صهیونیستی مجبور به عقب‌نشینی از غزه شد و مقاومت برای اولین بار پیروز شد و توانست یک منطقه‌ی اشغالی فلسطین را آزاد بکند و آنجا را به پایگاه مقاومت تبدیل صهیونیست‌ها در جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله نیز شکست خوردند. کند

آنها در اواخر سال ۲۰۰۸ میلادی و اوایل ۲۰۰۹ در جریان جنگ ۲۲ روزه به غزه حمله کردند. پس از آن در روزه و جالب است که در همه‌ی این جنگ‌ها سال ۲۰۱۰ جنگ ۱۱ روزه، بعد ۱ روزه، بعد ۲۰۱۴ جنگ ۵۱ روزه. رژیم صهیونیستی متحمل شکست شد

### آیا می‌توان گفت رژیم صهیونیستی بازدارندگی خود را از دست داده است؟

بله این شکست‌های پی‌درپی معنایش این است که هم قدرت و بازدارندگی سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی خدشه‌پذیر شده و هم اینکه این رژیم در سرایشی سقوط و فروپاشی قرار گرفته است؛ بن‌گورین اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی قبلاً گفته بود که «اولین شکست ما آخرین شکستمان خواهد بود» و چنین چیزی هم اتفاق افتاد

بنابراین، عواملی که اشاره شد هم در خارج و هم در داخل نشان می‌دهند که رژیم صهیونیستی از یک ارتش توسعه‌طلب تروریست و نژادپرست تبدیل به یک رژیم نامشروع منفعل و ترسویی شده است که هر لحظه خود را در آستانه‌ی فروپاشی می‌بیند

مقامات رژیم صهیونیستی از جمله رئیس این رژیم طی ماه‌های گذشته بارها نسبت به فروپاشی این رژیم از درون هشدار داده‌اند. آیا این مسئله خود به تنهایی می‌تواند یکی از نشانه‌های مهم تسریع در روند افول تدریجی رژیم صهیونیستی باشد؟

اگر یک خون‌آلوده‌ای به یک انسان بیمار تزریق بشود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ این طبیعی است که این خون‌آلوده به تدریج تأثیر خودش را می‌گذارد و موجب فوت آن فرد خواهد شد. مقامات رژیم صهیونیستی از ابتدا می‌گفتند که انتقال یهودیان به فلسطین به مثابه‌ی تزریق خون در رگ‌های حیاتی اسرائیل هست، اما خبر نداشتند که این خون‌آلوده است. چرا؟ چون یهودیانی که کوچ داده می‌شدند، به سرزمین فلسطین با خاستگاه‌های متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به فلسطین منتقل شدند. فقط نقطه‌ی اشتراک آنها یهودی

بودن آنها بوده و هست؛ لذا همواره جامعه‌ی اشغالگران یک ساختار ضعیف داشته است.

ترکیب یهودیان مهاجر با جمعیت بومی فلسطین در ابتدا موجب تعمیق و بغرنج‌تر شدن شکاف‌های درونی اسرائیل شد. یعنی یک جمعیت یهودیانی مهاجر بودند در فلسطین اشغالی و یک جمعیت بومی فلسطین که دارای پیشینه‌ی کهن تاریخی در این سرزمین بودند با فرهنگ اسلامی و با گویش عربی. این شکاف اجتماعی ابتدا شکل گرفت.

به تدریج در فضای سیاسی رژیم صهیونیستی هم این شکاف‌های اجتماعی بیشتر شد، به میان جامعه‌ی یهودی‌ها کشیده شد، به چندگانگی و تکثر و تنوع در احزاب سیاسی منجر گردید و فرآیند سیاسی در اسرائیل را همواره با پیچیدگی‌های بزرگی روبرو کرد. چرا چنین چیزی اتفاق افتاد؟ چون یک تعدادی از یهودی‌های غربی تبار بودند یک تعداد هم یهودی‌هایی بودند که از آسیا و آفریقا، که از آنها به‌عنوان یهودی‌های اشکنازی نام برده می‌شود آمده بودند؛ هر کدام با فرهنگ‌های مختلف و یک سری هم اصلاً به لحاظ اعتقادات یهودی نبودند.

شکاف‌های اجتماعی به تدریج وارد فرآیند و فضای سیاسی اسرائیل شد. شکاف بین مذهبی‌ها و سکولارها هم که بعدها به وجود آمد. وقتی شکاف‌های داخلی اسرائیل را در کنار وضعیت امنیتی ناپایدار رژیم صهیونیستی قرار می‌دهیم، می‌بینیم که احتمال فروپاشی این رژیم را بیشتر می‌نمایاند و در واقع ظاهر می‌سازد.

علی‌رغم سیاست توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی می‌بینیم که هم اکنون محیط امنیت اسرائیل با گذشت بیش از هفت دهه همچنان برای این رژیم بحرانی است. و همچنان مناقشه و نزاع درونی بین فلسطین و اسرائیل به‌عنوان اساسی‌ترین مناقشه‌ی بین‌المللی و محور کانون مناقشه‌ی جهان غرب و اسلام همچنان پابرجاست. خب در همین راستا هم نظریه‌پردازان صهیونیسم اشاره کردند که سیاست سرکوب و حفظ سرزمین‌های اشغال شده دیگر نمی‌تواند تضمین‌کننده‌ی امنیت اسرائیل باشد.

می‌توان گفت که سلسله تغییرات فکری و اجتماعی داخل جامعه‌ی چندپاره‌ی اسرائیل از سال ۱۹۸۷ که انتفاضه شکل گرفت و به‌ویژه طی دو دهه‌ی اخیر کاملاً مشهود بوده است و در دهه‌ی اخیر هم به‌عنوان یک چالش سیاسی مهم برای رژیم صهیونیستی مطرح بوده و بازتاب این تحولات اجتماعی در عرصه‌ی سیاسی هم نمودار شده است. براین اساس، هشدارهای مقامات صهیونیست درباره فروپاشی از درون این رژیم خود یکی از نشانه‌های مهم تسریع در روند افول تدریجی رژیم صهیونیستی است.

تحولات اخیر در جهان اسلام حاکی از تقارب و نزدیکی کشورهای اسلامی به یکدیگر است، ♦

به‌گونه‌ای که در خبرها شاهد رفت‌وآمد بیشتری بین کشورهای منطقه و خصوصاً کشورهای اسلامی هستیم. آیا نزدیکی کشورهای اسلامی به یکدیگر می‌تواند به مقاومت فلسطین کمک کند؟

تحولات اخیر جهان اسلام هم یکی از آثار افول تدریجی و قرارگرفتن رژیم صهیونیستی در سراسیمی سقوط است. این رژیم به هر کاری بود دست زد تا بتواند عادی‌سازی روابط با رژیم‌های عربی را شروع کند. در نقاط مختلف منطقه دخالت مستقیم و غیرمستقیم کرد. در لبنان پس از اینکه مجبور به عقب‌نشینی شد به طُرق مختلف برای نفوذ در سوریه تلاش کرد و نقش مهمی در راه‌اندازی فتنه تکفیری در این کشور داشت؛ اما با این در یمن هم آن‌ها متحمل شکست شدند. در کشورهای . حال غربی‌ها و صهیونیست‌ها در سوریه شکست خوردند. دیگر منطقه هم همین‌طور، در افکار عمومی هم شکست خوردند.

یکی از تحولات اخیر در منطقه مذاکرات میان ایران و عربستان و توافق آن‌ها با یکدیگر بود. پس از آن، سعودی‌ها در حوادث و رویدادهای اخیر فلسطین اشغالی، موضعی همسو با کشورهای اسلامی منطقه و سازمان همکاری‌های اسلامی اتخاذ کردند و این به معنای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی است. این نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در مسیر فروپاشی قرار گرفته است، زیرا این رژیم تلاش داشت که با عادی‌سازی روابط با دولت‌های عربی به‌ویژه کشورهای خلیج‌فارس نفوذ خود را در منطقه گسترش بدهد. با این حال، این هدف هم تبدیل به یک سراب شد

**رهبر انقلاب در دیدار روز گذشته تأکید کردند که اقتدار روز افزون گروه‌های مقاومت در کرانه** **باختری کلید اصلی به زانو درآوردن دشمن صهیونیستی است و این مسیر باید ادامه یابد. پیش از این** **نیز ایشان راهبرد مورد نیاز دنیای اسلام را کمک به نیروهای مبارز داخلی فلسطین دانسته بودند. به** **نظر شما چه راهکارهایی برای تحقق این اهداف وجود دارد؟**

راهبردی که رهبر انقلاب اشاره فرمودند مبتنی بر یک اندیشه‌ی سیاسی ناب اسلامی هست که برگرفته از قرآن مجید و آموزه‌های دینی هست. «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» خب این یک راهکار بسیار مهم هست برای جهان اسلام؛ لذا می‌بینیم که بر اساس همین راهکار راهبرد کمک به قضیه‌ی فلسطین و مبارزان فلسطینی مطرح می‌شود و به نتیجه‌ی مطلوب می‌رسد

نکته‌ی دوم در راهبرد رهبر انقلاب که فرمودند برای دنیای اسلام باید کمک به قضیه‌ی فلسطین باشد بر اساس یک تجربه‌ی تاریخی است. رژیم صهیونیستی تا سال ۱۹۸۲ میلادی چه وضعیتی داشت؟ یعنی زمانی که رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کرد و هر سال که گذشت چه وضعیتی پیدا کرد؟ یعنی در خلال این چهل سال اخیر و بلکه بیشتر. این رژیم مجبور به عقب‌نشینی شد؛ مرحله‌به‌مرحله و منطقه به منطقه. راهبرد کمک به

نیروهای مبارز داخلی فلسطین راهبرد موفقیت یافته است. مسلح شدن نوار غزه کاملاً رژیم صهیونیستی را در معرض آسیب‌های جدی قرار داد.

اینکه چه راهکارهایی برای تحقق این راهبرد وجود دارد؟ یک نکته را رهبر انقلاب قبلاً هم اشاره فرموده بودند و این به هر صورت ممکن توسط گروه‌های مقاومت باید انجام بگیرد. و آن کمک به تسلیح کرانه‌ی باختری هست. یکی از راهکارهای امنیتی و نظامی هست که خب آن روش خاص خودش را دارد.

اما یکی از راهکارهای دیگر در حوزه‌ی پیرامونی فلسطین اشغالی برای تحقق این راهبردی که رهبری فرمودند نزدیک کردن کشورهای منطقه به یکدیگر است؛ یعنی نزدیک کردن دیدگاه‌های کشورهای اسلامی به یکدیگر که در حوزه‌ی سیاسی دارد شکل می‌گیرد. یعنی سیاست همگرایی در منطقه به‌ویژه میان کشورهای اسلامی باید بیشتر بشود.

راهکار دیگر همسو و همراه کردن افکار عمومی جهان هست با قضیه‌ی فلسطین، از طریق ابزارهای رسانه‌ای در اختیار. هر چند که توان رسانه‌ای کشورهای اسلامی و یا به طور مشخص محور مقاومت در مقابل امکانات رسانه‌ای نظام سلطه و صهیونیسم بین الملل اندک هست. و شاید قابل ملاحظه نباشد. اما تأثیرگذاری نمونه‌اش هم این هست که شما سیاست‌های تبلیغاتی جریان محور مقاومت بر افکار عمومی دنیا بیشتر بوده الان در کشورهای اروپایی و حتی در داخل آمریکا ببینید که چه فکری و چه ذهنیتی نسبت به رژیم صهیونیستی دارند